An Analytical Study of Important Cultural Factors Deterring Child Sexual Abuse Disclosure[1]

Arian Petoft[2]

Abstract

Nowadays, one of the most known types of violence against children around the world is child sexual abuse, which is typically a reflection of the causes of social problem. The customs and traditions of society sometimes make the people to conceal sexual violence against children. Many cases of sexual abuse have not been reported due to concealment and fear of being exposed, and its deleterious effects on children remain concealed. As one of the most dangerous forms of violence against children is their sexual abuse, it is important to examine cultural normative factors and can help us in pathology and in providing appropriate solutions. Therefore, the present article seeks to answer the key question of what cultural norms can make us to conceal child sexual abuse cases and consequently facilitate and increase sexual violence against children and adolescents. Understanding the values generally held by people of a particular culture allows us to eliminate the social barriers to disclosing child sexual abuse. Overall, this article found that the important cultural factors are: family honor and dignity, chastity, gender discrimination, high costs of disclosure, traditional and racial difference, deviant religious beliefs and non-effective adherence to reasonable cultural norms.

Keywords

Children Rights, Child Abuse, Sexual Violence, Cultural Norms, Disclosure

---

1. This research is mainly inspired by the paper entitled "Cultural Issues in Disclosures of Child Sexual Abuse" by Lisa Aronson Fontes and Carol Plummer in Journal of Child Sexual Abuse 2010; 19(5): 491-518.

2. Assistant Professor of Public Law, University of Maragheh, Maragheh, Iran. Email: arian_petoft@ut.ac.ir

Original Article Received: 14 May 2019 Accepted: 1 November 2019

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

Please cite this article as: Petoft A. An Analytical Study of Important Cultural Factors Deterring Child Sexual Abuse Disclosure. Child Rights J 2019; 1(3): 35-54.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

بررسی تحلیلی اهم عوامل فرهنگی بازدارنده افشای کودک‌آزاری جنسی[۱]

آرین پتفت[۲]

چکیده

امروزه یکی از بارزترین نوع خشونت‌ها علیه کودکان در سراسر جهان، کودک آزاری جنسی است که نوعاً بازتابی از علل آسیب‌های اجتماعی است. آداب و سنت‌های موجود در جامعه بعضاً موجب پنهان‌ساختن موارد خشونت جنسی علیه کودکان می‌شود. بسیاری از موارد سوءاستفاده جنسی، به سبب پنهان‌کاری و ترس از برملاشدن، گزارش نشده و آثار مخرب آن بر کودکان مستور باقی می‌ماند. از آنجا که یکی از خطرناک‌ترین نوع خشونت علیه کودکان، آزار جنسی آنان است، بررسی عوامل هنجاری فرهنگی آن بسیار حائز اهمیت است و ما را در آسیب‌شناسی و ارائه راه‌کارهای مقتضی یاری می‌رساند. از این رو مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که چه مسائل هنجاری فرهنگی می‌تواند موجب پنهان‌کاری موارد کودک‌آزاری جنسی شود و به تبع آن، خشونت جنسی علیه اطفال و نوجوانان را تسهیل سازد و موجب افزایش این‌گونه بزه‌کاری‌ها شود. درک ارزش‌هایی که عموماً در بین مردمی با فرهنگی خاص وجود دارد، این امکان را به ما می‌دهد که موانع اجتماعی افشاگری آزار جنسی کودکان را از میان برداریم. به طور کلی در مقاله حاضر دریافته شد که اهم عوامل فرهنگی مذکور عبارتند از: آبرو و شرف خانوادگی، عفت و شرم، تبعیضات ناروای جنسیتی، هزینه‌های گزاف افشاگری، تفاوت فرهنگی و نژادپرستی، اعتقادات دینی انحرافی و عدم پایبندی مؤثر به ارزش‌های معقول فرهنگی.

---

۱. مقاله حاضر، ترجمه و تلخیص اثر ذیل است:

Lisa Aronson Fontes and Carol Plummer "Cultural Issues in Disclosures of Child Sexual Abuse". Journal of Child Sexual Abuse 2010; 19(5): 491-518.

همچنین از ترجمه این اثر به قلم گلناز به‌گو که در سایت حق کودکی منتشرشده نیز کمک شایانی گرفته شده است. برای ترجمه مذکور به این سایت مراجعه کنید: http://right-to-childhood.com/

۲. استادیار حقوق عمومی دانشگاه مراغه، مراغه، ایران. Email: arian_petoft@ut.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۸/۲/۲۴ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۸/۱۰

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

واژگان کلیدی

حقوق کودک، کودک‌آزاری، خشونت جنسی، هنجارهای فرهنگی، افشاگری

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

مقدمه

هرگونه خشونت علیه کودکان در جامعه، نزد قانون و همچنین در قرائت اخلاقی ممنوع بوده و قابل توجیه نیست (۱). حقوق بین‌الملل کنونی، دولت‌ها را مکلف ساخته که از همه کودکان در مقابل تمامی اشکال خشونت حمایت کنند. اساساً نظام بین‌المللی حقوق بشر بر احترام به کرامت هر انسانی استوار است. خشونت علیه کودکان حد و مرزی نمی‌شناسد و امروزه نژاد، طبقه، مذهب و فرهنگ را در نوردیده و در همه کشورهای جهان، کودکانی وجود دارند که همواره در معرض ترس و تجربه خشونت هستند. یکی از خطرناک‌ترین و بارزترین نوع خشونت علیه کودکان، کودک‌آزاری جنسی است که نوعاً بازتابی از علل آسیب‌های اجتماعی است. بدین‌معنا که معضلات و مشکلات موجود در جامعه موجب پدیداری بستری برای سوءاستفاده‌های جنسی از کودک می‌شود (۲).

ناآگاهی مؤثر از حقوق کودک و ضعف فرهنگ‌سازی در زمینه تربیت و پرورش اطفال و نوجوانان در جامعه، مبنای اصلی افزایش آسیب‌های کودکان از انواع خشونت‌های جنسی است، اما شاید یکی از مهم‌ترین این عوامل، آداب و سنت‌های موجود در جامعه باشد که موجب پنهان‌ساختن موارد خشونت جنسی علیه کودکان می‌شود (۳). بسیاری از موارد سوءاستفاده جنسی، به سبب پنهان‌کاری و ترس از برملاشدن، گزارش نشده و آثار مخرب آن بر کودکان مستور باقی می‌ماند (۴). بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی از کودک، تقریباً در تمامی کشورها وجود دارد و عموماً آمار دقیقی از آن وجود نداشته و اغلب در سکوت و پنهان‌کاری نادیده گرفته می‌شود. افشا و آشکارسازی مصادیق خشونت جنسی علیه کودکان، فرایندی است که تا حدود بسیار زیادی به عوامل متعددی چون آداب و رسوم، سنت‌ها، ارزش‌های عقیدتی، وضعیت جسمی و روحی کودک، جنسیت و سن او، بستگی دارد. از آنجا که یکی از خطرناک‌ترین نوع خشونت علیه کودکان، آزار جنسی آنان است، بررسی عوامل هنجاری فرهنگی آن بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند ما را در آسیب‌شناسی و ارائه راه‌کارهای مقتضی یاری برساند. از این رو مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

چه مسائل هنجاری فرهنگی می‌تواند موجب پنهان‌کاری موارد کودک‌آزاری جنسی شود و به تبع آن، خشونت جنسی علیه اطفال و نوجوانان را تسهیل سازد و موجب افزایش این‌گونه بزه‌کاری‌ها شود. اگر ما به دنبال تضمین حقوق کودک در برابر سوءاستفاده‌های جنسی هستیم، به طور قطع باید گام نخست را از بررسی ریشه‌های مولد کودک‌آزاری‌های جنسی در بسترهایی چون فرهنگ جامعه برداریم. تحقیقات علمی و تجارب به دست‌آمده در جوامع مختلف ما را به این باور عمیق رسانده است که ارزش‌های فرهنگی و موقعیت خانواده در جامعه بر احتمال افشای سوءاستفاده جنسی و همچنین چگونگی اقداماتی که متخصصان برای حمایت از افشاگری باید انجام دهند، تأثیر دارد. تلاش برای پرده‌برداری از سوءاستفاده جنسی یک تصمیم فردی نیست، بلکه پدیده‌ای است که در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد. به هر ترتیب، میان فرهنگ یک جامعه و افشای آزار جنسی ارتباط ناگسستنی وجود دارد. درک ارزش‌هایی که عموماً در بین مردمی با فرهنگی خاص وجود دارد این امکان را به ما می‌دهد که موانع اجتماعی افشاگری آزار جنسی کودکان را از میان برداریم؛ عمدتاً مسائلی همچون شرم، عفت، مردسالاری، بکارت، وضعیت زنان در جامعه، پاک‌دامنی، مجازات‌های مشروع خشونت‌آمیز، نجابت و احترام در این پدیده بسیار تأثیرگذارند. به این ترتیب پژوهش حاضر به اهم این علل هنجاری فرهنگی در اختفای کودک‌آزاری جنسی می‌پردازد.

آبرو و شرف خانوادگی

شیوه‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان موارد آزار جنسی کودک را گزارش نمود و بازگوکردن مسأله با والدین یا بزرگسالان، تنها یکی از این روش‌هاست. آزار جنسی در اغلب موارد از سوی کودک افشا نمی‌شود، بلکه راه‌های چندگانه دیگری به پرده‌برداری از آن منجر می‌شود، از جمله وجود آثار مشکوک در لباس یا تن کودک، تغییر رفتاری وی و یا اطلاع‌رسانی برخی افراد غریبه از آزار جنسی. محققین در یکی از تحقیقات میدانی به این نتیجه رسیدند که بیشتر از نیمی از مادرانی که کودکانشان مورد

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، پیش از اطمینان از وقوع سوءاستفاده، احساس کرده بودند که تغییرات غیر معمولی در وضعیت کودک خود رخ داده است (۵). در بسیاری از موارد نقش مقامات رسمی در پیگیری موارد آزار جنسی کم‌رنگ است و عمدتاً والدین کودک با گفتگو با دوستان و اعضای فامیل، گرفتن اطلاعات بیشتر در مورد خشونت جنسی، زیر نظرداشتن بیشتر کودک، تلاش برای یافتن متجاوز، و گفتگوی مستقیم با کودک اقدام می‌کنند (۶)، لذا پیش از مداخله مسؤولین ذی‌ربط، خانواده‌ها به محض پی‌بردن به خشونت جنسی، در میان خود و خارج از چارچوب‌های رسمی در مورد چگونگی پاسخگویی به آن تصمیم می‌گیرند.

علت این‌که خانواده‌ها عمدتاً از بازگوکردن خشونت جنسی علیه فرزند خویش اجتناب می‌کنند و خود به بررسی و پیگیری آن می‌پردازند، این است که مسائلی همچون قضاوت‌های اخلاقی، آبرو، حیثیت، شرف و اعتبار خانوادگی آنان را از افشای این امر می‌هراساند، در حالی که افشاگری کودک مؤثرترین روش کشف سوءاستفاده جنسی از اوست، اما بعضاً کودک به دلیل ترس یا فشار خانواده خویش، تا بزرگسالی این راز را با خود نگه می‌دارد (۷)، حتی بیشتر این کودکان هرگز در دوران زندگی خود، در این مورد حقیقت را بیان نمی‌کنند. در بیشتر مواقع، آزار جنسی کودک در یک فرایند تدریجی صورت می‌گیرد که با تأمین نیازهای کودک و عادت‌دادن او به سلسه‌ای از اقدامات شروع و از تماس‌های بدنی ساده به آزارهای جدی منتهی می‌شود (۸). زمانی که کودک سوءاستفاده‌های متعددی را تجربه می‌کند، ممکن است به شدت احساس گناه و یا مسؤولیت کند و یا این‌که خدمت جنسی را مسأله عادی زندگی تلقی کرده و یا حتی در برخی موارد از رابطه جنسی با متجاوز لذت ببرد.

کودکانی که برای بار نخست مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، همواره در تکاپو هستند که موضوع را چگونه، با چه کسی و چه زمانی برملا کنند تا در عین حال که حمایت می‌شوند، کم‌ترین آسیب به خودشان و خانواده‌شان وارد شود، اما از یکسو به سبب ضعف روحی، آسیب‌پذیری ذهنی و جسمی زیادی که کودک دارد و از سوی دیگر به دلیل فشارهای خانوادگی و اجتماعی که با آن رو به روست، احساس ترس، شرم و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

محافظه‌کاری بر وی غلبه کرده و انزوا و پنهان‌کاری را پیش می‌گیرد (۹). آن‌ها مدام احساس سردرگمی و ناباوری دارند، زیرا از یک طرف می‌کوشند ضربه روحی را که از آن زجر می‌برند، در زندگی روزمره خود فراموش کنند و از طرف دیگر، می‌خواهند که تحت حمایت خانواده خود قرار گیرند و اسرار خود را به نحو غیر مستقیم افشا کنند (۱۰). کودکان ممکن است از توانایی بالینی و گفتاری کافی برخوردار نباشند تا به طور کامل اتفاقی را که افتاده درک کنند. با این حال، به ندرت پیش آمده است که کودکی بعد از اولین سوءاستفاده، موضوع را به کسی گزارش دهد (۱۱).

کودکان به طور مرتب تهدید می‌شوند که درباره ارتباطات جنسی خود با کسی گفتگو نکنند و کودک قربانی و خانواده وی نیز در موارد عدیده‌ای از افشای این امر اجتناب می‌کنند، زیرا اغلب دیده شده که پرده‌برداری از سوءاستفاده جنسی، آزار کودک قربانی و خانواده وی را ـ به سبب عوامل مختلفی چون آبروریزی خانوادگی، انگشت‌نماشدن در جامعه، اذیت و آزار اطرافیان و اقدامات متعاقب سوءاستفاده‌گر ـ تشدید کرده است (۱۲). باید در نظر داشت که عمل افشاگری لزوماً امنیت کودک را افزایش نمی‌دهد. فارغ از بازخوردهای اجتماعی منفی (به سبب عوامل هنجاری ارزشی)، بزرگسالان نیز اغلب به دلیل نداشتن اطلاعات کافی، شوک، ترس و واکنش‌های هیجانی و احساسی، آمادگی لازم را برای برخورد مناسب با کودک قربانی ندارند، حتی زمانی که بزرگسال به افشاگری گوش می‌سپارد، ممکن است واکنشی نشان دهد که کودک را بیازارد و او را به عقب‌نشینی وادارد (۱۱). برای نمونه، در بیشتر مواقع، کودکانی که سعی می‌کنند موضوع را برملا کنند، به دلیل دروغ‌گفتن تنبیه می‌شوند و این مسأله موضوع را برای آنان سخت‌تر و آزاردهنده‌تر می‌کند. فارغ از این‌که باید در جامعه نسبت به مسأله افشای کودک‌آزاری جنسی فرهنگ‌سازی شود، پذیرش چنین فرهنگی در متن ارزش‌ها، آداب و سنت‌های حاکم بر روابط اجتماعی نیز مؤلفه تعیین‌کننده‌ای برای این مهم است. به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، معتقدند که افشاگری بیشتر از آنکه با فرهنگ به خودی خود مرتبط باشد، با سطح فرهنگ‌پذیری همبستگی دارد (۱۳).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

عفت و شرم

جنبه‌های متعددی از سوءاستفاده جنسی باعث احساس شرم می‌شود. قضاوت اخلاقی خانواده و خویشاوندان، شهره عام‌شدن، تابوهای مذهبی، درگیری‌های دادرسی و تصورات احتمالی دوستان و آشنایان همگی بر ایجاد احساس شرم تأثیرگذارند. شرم موجب می‌شود که قربانی از بیان حقیقت خجالت کشیده و حتی خود را مسبب اصلی بی‌آبرویی خویش بداند؛ وی برای حفظ حیثیت و شخصیت اجتماعی خود، از افشای خشونت امتناع می‌ورزد. شرم عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای در جهت تنظیم روابط پس از وقوع سوءاستفاده است (۱۴)، از جمله تأکید بر باکرگی دختران و وجود شرم پیرامون از دست‌دادن آن یکی از بزرگ‌ترین موانع در جهت گزارش آزار جنسی است، به نحوی که حتی این امر مانع از آن می‌شود که والدین برای دختران آزاردیده خود از متخصصین کمک بخواهند، چراکه در نظر چنین جامعه‌ای، دخترانی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، برای ازدواج مناسب نبوده و یا با ارزش کم‌تری نگریسته می‌شوند (۱۵). در جوامعی که صحبت از مسائل و مشکلات جنسی، امری بی‌شرمانه و به دور از حیاست و یا فرهنگ‌های سنتی که هرگونه گفتمان جنسی را سرکوب می‌کنند، افشاگری آزار جنسی به مراتب برای کودکان مشکل‌تر است. برای نمونه، تحقیقات نشان داده که ارزش‌هایی چون شرم و حیا در فرهنگ اعراب و مشابه آن در فرهنگ اسپانیایی اساساً به مسکوت‌ماندن هرگونه آموزش جنسی به کودکان و همچنین افشاگری آن‌ها منجر می‌شود (۱۶). در بعضی جوامع، دخترانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، به دلیل از بین‌بردن آبروی خانوادگی مورد آزارهای بیشتری قرار می‌گیرند و در مواردی حتی توسط اعضای خانواده به قتل می‌رسند تا دیگر لکه ننگی برای خانواده‌شان نباشند و به این ترتیب خانواده آبروی از دست‌رفته‌اش را دوباره به دست آورد، حتی اگر آزار جنسی موجب ازاله پرده بکارت نشود، شایعات پیرامون آن ممکن است موجب آبروریزی شده و همان آثار اجتماعی را در پی داشته باشد، چراکه در این‌گونه فرهنگ‌ها، ارزش دختر تنها در پرده بکارتش نیست، بلکه به نجابت و پاکدامنی وی نیز بستگی دارد. در این‌گونه جوامع، دخترانی که باکره نیستند یا مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

نه‌تنها برای ازدواج مناسب تلقی نمی‌شوند، بلکه به سبب آبروریزی خانوادگی، امکان ازدواج سایر خواهران خود را نیز خدشه‌دار می‌کنند (۱۷). بنابراین در چنین بستری، کودک دختر بسیار بعید است که از قربانی‌شدن در تعرض جنسی سخن به میان آورد.

تبعیضات ناروای جنسیتی

هنجارهای فرهنگی موجد تبعیضات جنسیتی و مردسالاری نیز عامل بازدارنده دیگری نسبت به برملاساختن آزارهای جنسی است، در شرایطی که هنجارهای فرهنگی ارزش بیشتری برای جایگاه مردان نسبت به زنان در جامعه قائل باشد، گزارش‌های اعلام‌شده از موارد آزار جنسی احتمالاً کم‌تر از آمار واقعی خواهد بود (۱۹-۱۸). در چنین فرهنگی، برای دختری که توسط یک مرد قربانی شده است، به چالش‌کشیدن قدرت او با افشاگری در مورد سوءاستفاده جنسی وی، با صعوبت همراه خواهد بود. همین امر نسبت به جوامع سنتی متکی بر پدرسالاری نیز صادق است. به دلیل اهمیت شدید ارزش‌هایی تحت عنوان «عزت و آبرو» و «احترام به پدر» به عنوان بزرگ خانواده، گاهی اوقات افشاگری آزار جنسی نوعی بی‌شرمی و بی‌احترامی وقیحانه به پدر و اصالت خانوادگی محسوب می‌شود که علاوه بر ممانعت از بازگوکردن خشونت جنسی، بعضاً به خودکشی قربانی نیز منجر می‌شود (۲۰). علاوه بر این، باورهای مذهبی نیز ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و قومیت ملل دارد، اما با وجود این گروه‌های وسیع‌تری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در قرائت برخی فرهنگ‌ها برای پدر جایگاه متعالی ارزشی درنظر گرفته شده است، به نحوی که پدر، فردی قدرتمند و تحت التفات الهی تلقی می‌شود و دستیابی به بهشت موعود خداوند، در گرو رضایت اوست؛ این اوصاف، شاید کودک به این برداشت برساند که هر کسی که نقش پدری را در زندگی او بازی کند، باید از وی تبعیت و در برابر هرگونه رفتارهای خشونت‌آمیز وی سر خم کند. چنین باوری می‌تواند افشاگری را به شدت سخت کند، چون کودک به خشونت‌های پدرش اعتقاد قلبی داشته و آن را به مثابه موهبت می‌پذیرد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

اعتقادات دینی انحرافی

با این‌که در تمامی مذاهب رایج، سوءاستفاده جنسی علیه کودکان محکوم شده است، اما امکان دارد طیف وسیعی از هنجارهای آن‌ها به دلیل کج‌فهمی یا افراط‌گرایی، افشاگری را با مشکل مواجه کنند؛ برای مثال، اصول شکیبایی، پذیرش و غلبه بر سختی در مذهب کاتولیک که مطابق آن، از زنان و دختران قربانیِ سوءاستفاده جنسی انتظار می‌ورد که در سکوت رنج ببرند، همچون مسیح که رنج مصلوب‌شدن را تحمل کرد. این‌ها ارزش‌هایی هستند که کودکان را راغب می‌سازد که از افشای وضیعتی که در آن مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، با امیال نفسانی خود کنار آمده و خود را با شرایط تطبیق دهند. در واقع به نوعی بر سوءاستفاده و سختی‌ها غلبه کنند (۲۱). اگر این‌گونه شرایط برای کودک ادامه یابد، برای وی این امر به مثابه بخشی از سرنوشت خویش تلقی می‌شود و ممکن است برای خشونت‌های احتمالی آتی پذیرش داشته باشد. اگر بیش از حد متعارف و به طور غیر معقول بر احترام به والدین تأکید شود ممکن است کودک از بیان سوءاستفاده جنسی به دلیل ترس از بی‌احترامی امتناع ورزد. همچنین گاهی افراط‌گرایان دینی از ممنوعیت بدگویی علیه دیگران (۲۲) به عنوان دلیلی برای نام‌نبردن از آزاردهنده در انظار عمومی یاد می‌کنند (۲۳). در اندیشه بعضی از متدینین، در صورت اطلاع از سوءاستفاده جنسی، باید آیین رستگاری را برای اعاده شرافت و پاکسازی روح قربانی به جا آورد که در آن سعی می‌شود که شیطان یا روح شیطانی از بدن فرد بیرون آید. این روش برای کودکان چه به لحاظ روانی و چه به لحاظ جسمی می‌تواند بسیار ترسناک و تهدیدآمیز باشد. در یک مطالعه، بیش از نیمی از کودکانی که چنین برخوردی را تجربه کرده‌اند، آن را آسیب‌زننده خوانده‌اند. آن‌ها آیین‌های رستگاری (به خصوص احضار ارواح) را به گونه‌ای توصیف کرده‌اند که انگار چیزی شیطانی را به دلیل سوءاستفاده جنسی با خود حمل می‌کردند (۲۴). به اعتقاد برخی از پیروان آیین بودایی، سوءاستفاده جنسی یک مجازات کارمایی است که به دلیل تخلف در قوانین هستی و اعمال ناشایست در زندگی رخ می‌دهد، لذا اگر کودکی مورد تعرض قرار می‌گیرد، این امر نتیجه کارمای اعمال بد وی و خانواده‌اش است. مبتنی بر چنین

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

نظام اعتقادی، هرگونه رویداد منفی زندگی از جمله تجاوز، نتیجه اعمال فرد از زندگی‌های پیشینش است و در نتیجه به منظور پیشگیری از ایجاد چرخه معیوب کارمایی، نباید مجازاتی برای متجاوز در نظر گرفت. این امر نوعاً باعث می‌شود که کودک قربانی و خانواده‌اش از بازگوکردن مسأله سوءاستفاده جنسی با مقامات قضایی امتناع ورزند و مجازات هستی را بپذیرند، چراکه از این طریق، کارمای اعمال ناشایست آنان در همین زندگی پایان می‌پذیرد و به زندگی دیگر موکول نمی‌شود (۲۵).

برخی فرهنگ‌ها نیز با توجیه دینی، نکاح کودکان دختر را در سنین پایین جایز می‌شمارند که این سبب بالارفتن تعداد چنین ازدواج‌هایی در کشورهایی همچون هند، پاکستان، افغانستان، عربستان شده است. ازدواج کودکان نه‌تنها نقض حقوق بشر بین‌المللی است، بلکه آثار مخرب فیزیکی و روانی دارد؛ برای نمونه، روابط جنسی و همچنین زایمان برای دختری که هنوز از لحاظ فیزیولوژیک به آمادگی و بلوغ لازم نرسیده است، ممکن است به بیماری سخت و یا حتی مرگ او منجر شده و یا صدمات جبران‌ناپذیری را در تمام طول عمرش به همراه داشته باشد. کارشناسان نباید این توضیح مبتنی بر مذهب را در مورد ازدواج کودکان برای توجیه «کودک‌همسری»، بپذیرند. «مؤسسان اصلی کلیسای قدیسان آخر الزمان (کلیسای مورمون‌ها) بریگهام یانگ و جوزف اسمیت از جمله کسانی بودند که قویاً چندهمسری را ترویج دادند. یانگ و اسمیت هر کدام ۱۲ زن داشتند که سن برخی از آنان در حدود ۱۴ سال بود. دو تن از همسران اسمیت، خواهر بودند که در دو خانواده مختلف بزرگ شده بودند؛ این دو دختر پس از مرگ والدینشان برای مراقبت به اسمیت سپرده شده بودند. اسمیت با هر دوی آنان ازدواج کرد و ثروت خانوادگی آن‌ها را به ثروت خود افزود» (۲۶). در نهایت، کلیسای جنبش قدیسان آخرالزمان در سال ۱۹۸۰ تعدد زوجات را محکوم کرد. با این حال، برخی افراد که از پیشینه خانوادگی اعضای این کلیسا بودند، برای تعدد زوجات، تجاوز به کودکان و زنای با محارم اغلب از توجیهات مذهبی استفاده می‌کردند (۲۷).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

تفاوت فرهنگی و نژادپرستی

بعضاً ممکن است کودک‌آزاری به سبب تفاوت فرهنگی در نتیجه مهاجرت به کشور بیگانه رخ دهد، دلایلی همچون فقر بیشتر، نژادپرستی نهادینه شده، آمار بالای جرم و جنایت و فساد در برخی از جوامع اقلیت، بیکاری فراگیر، دسترسی کم‌تر به سیستم‌های حفاظتی رسمی و غیر رسمی شامل شبکه‌های محله‌ای و بهداشت و درمان موجب می‌شود که احتمال برخوردهای خصمانه یا سوءاستفاده‌گرایانه افراد تبعه یک جامعه نسبت به بیگانگان مقیم افزایش یابد (۲۸). در چنین مواردی به جای آنکه از والدین کودک بزه‌دیده بخواهند که به مراجع ذی‌صلاح قضایی و مراکز درمانی رجوع کنند، دادخواست‌هایی در جهت سلب حقوق آن‌ها نوشته می‌شود (۲۹). در این‌گونه جوامع تبعیض نژادی میان افراد زیاد به چشم می‌خورد و کودکان بیگانه تمایل بیشتری برای باقی‌ماندن درخانه‌های امن خود دارند، لذا به مرور از جامعه انزوا می‌گیرند و رشد شخصیت اجتماعی آنان تحت‌الشعاع ارزش‌های نژادی و قومیتی قرار می‌گیرد. معمولاً آمار مرگ و میر در این‌گونه خانواده‌های مهاجر بسیار است و کودکان آن‌ها بیش از همه آسیب پذیرند؛ این کودکان سال‌ها در وضعیتی مشابه با کانون خانواده زندگی کرده و تا بزرگسالی در انزوای اجتماعی قرار دارند. این انزوا به سبب امنیت آنان است تا زمانی که بتوانند از خود مراقبت کنند. چنین وضعیت اسفناکی آن‌ها را بیشتر در معرض خطر بی‌خانمانی، فحشا، بزه‌کاری و ناهنجاری قرار می‌دهد (۲۸). تأثیرات نامتناسب این وضعیت معیشتی روی خانواده‌های جوامع اقلیت‌های قومی، یکی از عواملی است که اعضای این جوامع در افشاگری سوءاستفاده جنسی تردید می‌کنند و ترجیح می‌دهند که مسأله را در میان خود حل کنند، چراکه فروپاشی خانواده و بی‌سرپرستی این‌گونه کودکان، بسیار خطرناک بوده و امنیت آنان را به مخاطره جدی می‌اندازد.

هزینه‌های گزاف افشاگری

اطلاع‌رسانی موارد سوءاستفاده جنسی به مراجع رسمی ممکن است با پرداخت هزینه‌های مادی و معنوی زیادی همراه باشد (۳۰). از جمله این هزینه‌ها، تخریب حریم

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

خصوصی، از دست‌دادن حمایت‌های خانوادگی، مشکلات اقتصادی و مانند آن است. برخی از مادران مدعی شدند که پس از گزارش سوءاستفاده جنسی به مقامات هزینه‌هایی به خصوص اقتصادی متحمل شدند که توسط مسؤولین، پیگیری نشده است (۳۱)، در حالی که از دست‌دادن حریم خصوصی ممکن است یک عامل بازدارنده فراملی برای مطلع‌کردن مقامات دولتی محسوب شود، سایر هزینه‌ها بر اساس عواملی همچون مرتبه اجتماعی، قدرت اجتماعی و وضعیت مهاجرت و فرهنگ متغیرند. کودکان عموماً می‌ترسند که افشاگری آن‌ها برای خانواده مشکل ایجاد کند (همچون بدنام‌شدن به سبب وضعیت شرم‌آوری که رخ داده، معضلات حقوقی به دلیل مهاجرت غیر قانونی، سلب حضانت، برخوردهای قضایی به دلیل تخلفات پیشین) (۳۲). برای نمونه، در یک مطالعه در شیلی، زاغه‌نشینان تشریح می‌کنند که در کودکی در برابر سوءاستفاده جنسی که زجرشان داده است، سکوت می‌کردند، چراکه در زمان دیکتاتوری پینوشه چنان احساس بدبختی می‌کردند که فکر می‌کردند سوءاستفاده جنسی مسأله‌ای بی‌اهمیت است. کودکان در خانواده‌هایی که با مسائل حادی چون بی‌خانمانی، فقر، بیماری و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است ترجیح بدهند که سکوت کنند تا نگرانی بیشتری بر والدینشان تحمیل نشود (۳۴-۳۳). امکان دارد کودک‌آزاری جنسی از سوی یکی از افرادی باشد که خانواده وی، حامی خانواده مهاجر کودک است، در این صورت خانواده مهاجری که با اتکای بر یک شبکه گسترده خانوادگی به اقامت در جامعه بیگانه دست یافته، ممکن است با افشای متجاوزی که در بین این شبکه فامیلی است، حمایت‌ها و پشتیبانی خود را از دست بدهد (۳۵). این‌گونه خانواده‌ها علاوه بر این‌که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و احساسی پشتیبانی خود را از دست می‌دهند، از سایر منابع حمایتی نیز محروم می‌شوند. زمانی که متجاوز خانواده را به لحاظ اقتصادی مورد حمایت قرار می‌دهد، از دست‌دادن درآمد او ممکن است سبب بی‌خانمان‌شدن خانواده کم‌درآمد شود. به علاوه بیمه‌های درمانی خانواده عموماً به خانواده متجاوز گره خورده است، لذا اساساً برای این‌که خود را به دردسر بزرگ‌تری نینداخته و به معضلات شدیدتری دچار نشوند، از افشای تجاوز جنسی خودداری می‌کنند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

عدم پایبندی مؤثر به ارزش‌های معقول فرهنگی

هم‌چنانکه برخی هنجارهای فرهنگی افشاگری را برای کودکان مشکل می‌سازند، ارزش‌های معقول فرهنگی در بازدارندگی کودک‌آزاری جنسی و برملا ساختن موارد آن، کمک شایانی می‌کنند. برای نمونه، تأکید فرهنگ اسلامی به نقش زن در خانواده که مسؤولیت‌های مادری وی را پررنگ می‌کند. مرکزیت رابطه قوی میان مادر و کودک حوزه‌ای است که سزاوار توجه خاص است و نشان می‌دهد که نه‌تنها وجودش به ناباوری کم‌تر و افشاگری بیشتر منجر می‌شود (۳۶)، بلکه بعد از آسیب، نتایج بهتری را برای کودک قربانی موجب می‌شود (۳۷). اهمیت واکنش مادر به ادعای سوءاستفاده بسیار مهم است (۳۸). این واکنش عمدتاً در بستر فرهنگی که رابطه میان مادر و کودک در آن ایجاد می‌شود، شکل می‌گیرد. عواملی فرهنگی که ممکن است کودک را از سوءاستفاده جنسی محافظت و افشاگری را تسهیل کنند، عبارتند از: عدم تحمل رفتارهای جنسی بزرگسالان با کودکان، ارج‌گذاری بیشتر برروی زنان و کودکان، نظارت گسترده خانواده بر کودکان، دخالت مستقیم مردان در پرورش کودکان، روابط نزدیک بین مادران و فرزندان خود، تحریم اجتماعی قوی در برابر سوءاستفاده جنسی، نگاه به کودکان به عنوان موجودات غیر جنسی، حمایت از کودکان برای صحبت‌کردن و شناساندن نیازهایشان، فرایند رشد اجتماعی به سمت روابط و فعالیت‌های جنسی با توافق و مشارکت طرفین، گفتمان آزاد درباره تمایلات جنسی و همچنین وجود منابع رسمی و غیر رسمی در حفاظت از کودکان (۳۹).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی اهم عوامل فرهنگی موجد پنهان‌کاری موارد کودک‌آزاری جنسی پرداخته شد که این عوامل عبارتند از: آبرو و شرف خانوادگی، عفت و شرم، تبعیضات ناروای جنسیتی، هزینه‌های گزاف افشاگری، تفاوت فرهنگی و نژادپرستی، اعتقادات دینی انحرافی و عدم پایبندی مؤثر به ارزش‌های معقول فرهنگی. در این

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

پژوهش روشن شد که عمده خانواده‌ها از بازگوکردن خشونت جنسی علیه فرزند خویش اجتناب کرده و خود به بررسی و پیگیری آن می‌پردازند؛ زیرا از معضلات فرهنگی افشاگری همچون قضاوت‌های غیر اخلاقی دیگران، بی‌آبرویی، هتک حیثیت و شرف و از بین‌رفتن اعتبار خانوادگی می‌هراسند. شرم موجب می‌شود که قربانی از بیان حقیقت خجالت کشیده و حتی خود را مسبب اصلی بی‌آبرویی خویش بداند؛ وی برای حفظ حیثیت و شخصیت اجتماعی خود، از افشای خشونت امتناع می‌ورزد. همچنین در جوامعی که هنجارهای فرهنگی، ارزش بیشتری برای جایگاه مردان نسبت به زنان قائلند، برای دختری که توسط یک مرد مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته، به چالش کشیدن قدرت او با افشاگری در این رابطه با صعوبت همراه خواهد بود. افزون بر این، طیف وسیعی از هنجارهای دینی به دلیل کج‌فهمی یا افراط‌گرایی، افشاگری را با مشکل مواجه می‌کنند. بعضاً ممکن است کودک‌آزاری به سبب تفاوت فرهنگی در نتیجه مهاجرت به کشور بیگانه رخ دهد، دلایلی همچون فقر بیشتر، نژادپرستی نهادینه شده، آمار بالای جرم و جنایت و فساد در برخی از جوامع اقلیت، بیکاری فراگیر، دسترسی کم‌تر به سیستم‌های حفاظتی رسمی و غیر رسمی شامل شبکه‌های محله‌ای و بهداشت و درمان موجب می‌شود که احتمال برخوردهای خصمانه یا سوءاستفاده‌گرایانه افراد تبعه یک جامعه نسبت به بیگانگان مقیم افزایش یابد. همچنین اطلاع‌رسانی موارد سوءاستفاده جنسی به مراجع رسمی ممکن است با پرداخت هزینه‌های مادی و معنوی زیادی همراه باشد. این هزینه‌ها شامل از دست‌دادن حریم خصوصی و همچنین از دست‌دادن حمایت‌های خانوادگی و اقتصادی برای بسیاری از خانواده‌هاست، لذا اغلب خانواده‌های قربانی در این وضعیت‌ها به سبب ترس از هزینه‌ها و معضلات افشاگری، پنهان‌کردن خشونت جنسی را ترجیح می‌دهند. نهایتاً این‌که به رغم عوامل بازدارنده فرهنگی در افشاگری کودک‌آزاری جنسی، پایبندی به ارزش‌های معقول فرهنگی می‌تواند در پیشگیری از این‌گونه بزه‌کاری‌های جنسی و همچنین برملاساختن موارد آن، کمک شایانی کند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

References

1. Petoft A, Dehghani P. Discourse Analysis of Citizens' Rights in the Context of Governmentality Post-Modern Thought. Iranian Journal of Medical Law 2018; 12(46): 69-91.

2. Petoft A, Abbasi M. Citizenship Rights: From the Foundations to the Social Basis. Tehran: Ministry of Justice; 2017.

3. Petoft A, Abbasi M. Citizenship Rights: From the Government Protection to Monitoring on it. Tehran: Ministry of Justice; 2017.

4. Petoft A, Abbasi M. Citizenship Rights: From Good Governance to Administrative Procedures. Tehran: Ministry of Justice; 2017.

5. Petoft A. The reason and the scope of derogation from right due to the emergency theory. Public Law Studies Quarterly 2017; 1(47): 201-226.

6. Plummer Carol A. The discovery process: What mothers see and do in gaining awareness of the sexual abuse of their children. Child Abuse Negl 2006; 30(11): 1227-1237.

7. Alaggia R. Delphine Collin-Vézina and Rusan Lateef. Facilitators and Barriers to Child Sexual Abuse (CSA) Disclosures. Trauma, Violence & Abuse 2016; 20(2): 260-283.

8. Salter A. Transforming Trauma: A Guide to Understanding and Treating Adult Survivors of Child Sexual Abuse. Berlin: SAGE; 1995.

9. Petoft A. Citizens' Rights in the Light of Modern Administrative Procedures. Bioethics Journal 2016; 6(21): 23-50.

10. Petoft A. Cultural Rights: An Anthology. Tehran: Iranian Cultural Society; 2015.

11. Alaggia R. Many ways of telling: Expanding conceptualizations of child sexual abuse disclosure. Child Abuse Negl 2004; 28(11): 1213-1227.

12. Jonzon E, Lindblad F. Disclosure, reactions and social support: Findings from a sample of adult victims of child sexual abuse. Child Maltreat 2004; 9(2): 190-200.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

13. Katerndahl D, Burge S, Kellogg N, Parra J. Differences in childhood sexual abuse experience between adult Hispanic and Anglo women in a primary care setting. Journal of Child Sexual Abuse 2005; 14(2): 85-95.

14. Feiring C, Taska L, Lewis M. Adjustment following sexual abuse discovery: The role of shame and attributional style. Developmental Psychology 2002; 38(1): 79-92.

15. Newton AW, Vandeven AM. The role of the medical provider in the evaluation of sexually abused children and adolescents. Journal of Child Sexual Abuse 2019; 19(6): 669-686.

16. Gilligan P, Akhtar S. Cultural barriers to the disclosure of child sexual abuse in Asian communities: Listening to what women say. British Journal of Social Work 2006; 36(8): 1361-1377.

17. Baker KA, Dwairy M. Cultural norms versus state law in treating incest: A suggested model for Arab families. Child Abuse & Neglect 2003; 27(1): 109-123.

18. Petoft A. Restoration of public rights enforcement mechanisms in accordance with paragraph 2 of Article 156 of the constitution. Tehran: The Strategic Research Center of the Expediency Council; 2015.

19. Petoft A. Cultural preservation and citizenship rights. ICT Journal 2015; 5(6): 17-38.

20. Comas-Díaz L. Puerto Ricans and sexual child abuse. Edited by Fontes LA. Sexual abuse in nine North American cultures: Treatment and prevention. Thousand Oaks, CA: Sage; 1995. p.31-66.

21. Kennedy M. Christianity and child sexual abuse: The survivor's voice leading to change. Child Abuse Review 2000; 9(2): 121-141.

22. Lawson L, Chaffin M. False negatives in sexual abuse disclosure interviews: Incidence and influence of caretaker's belief in abuse in cases of accidental abuse discovery by diagnosis of STD. Journal of Interpersonal Violence 1992; 7(4): 532-542.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

23. Silberg JL, Dallam S. Out of the Jewish closet: Facing the hidden secrets of child sex abuse and the damage done to victims. Edited by Neustein A. Tempest in the temple: Jewish communities and child sex scandals. Waltham, MA: Brandeis University Press; 2009. p.77-104.

24. Franco EM. Interfamilial childhood sexual abuse and a culture of silence: Experiences of adult Mexican survivors with disclosure., Master's thesis. Northampton: School for Social Work, Smith College; 2006.

25. Luo TY. Marrying my rapist?! The cultural trauma among Chinese rape survivors. Gender & Society 2000; 14(4): 581-597.

26. Smith GD. Nauvoo polygamy: But we called it celestial marriage. Salt Lake City, UT: Signature Books; 2008.

27. Okin SM. Is multiculturalism bad for women? Princeton, NJ: Princeton University Press; 1999.

28. Derezotes DM, Hill RB. Race matters: Examining the disproportionate representation of children of color in the child welfare system. Washington, DC: Child Welfare League of America; 2008.

29. Roberts D. Shattered bonds: The color of child welfare. New York: Basic Books; 2002.

30. Massat CR, Lundy M. Reporting costs to no offending parents in cases of interfamilial child sexual abuse. Child Welfare 1998; 77(4): 371-388.

31. Plummer CA, Eastin J. System problems in cases of child sexual abuse: The mothers' perspectives. Journal of Interpersonal Violence 2007; 22(6): 775-787.

32. Crisma M, Bascelli E, Paci D, Romito P. Adolescents who experienced sexual abuse: Fears, needs and impediments to disclosure. Child Abuse & Neglect 2004; 28(10): 1035-1048.

33. Fontes LA. Sexual abuse in nine North American cultures: Treatment and prevention. Newbury Park, CA: Sage; 1995.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

34. Petoft A. New enforcements feasibility in the Administrative Court of Justice. Tehran: The Judiciary Research Institute; 2015.

35. Petoft A. Moral Dimensions of Rules Governing Journalism in Islamic Republic of Iran. Journal of Qom University Research Ethics 2013; 4(1): 147-164.

36. Fontes LA. Child abuse and culture: Working with diverse families. New York: Guilford; 2005.

37. Elliott DM, Briere J. Forensic sexual abuse evaluations of older children: Disclosures and symptomotology. Behavioral Sciences and the Law 1994; 12(3): 261-277.

38. Deblinger E, Stauffer L, Landsberg C. The impact of a history of child sexual abuse on maternal response to allegations of sexual abuse concerning her child. Journal of Child Sexual Abuse 1994; 3(3): 67-75.

39. Plummer CA, Njunguna W. Cultural protective and risk factors: Professional perspectives about child sexual abuse in Kenya. Child Abuse and Neglect 2009; 33(8): 524-532.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]